

مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی

حمید بهرامی احمدی^{۱*}، اعظم علم‌خانی^{۲**}

۱. استاد حقوق خصوصی و رئیس پژوهشکده‌ی فرهنگ اسلام و ایران دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۳

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

چکیده

اهمیت جبران مناسب خسارت‌های زیست‌محیطی اخیراً توجه بیشتر حقوقدانان را به خود معطوف داشته است. پیچیدگی‌های ماهیت خسارت‌های زیست‌محیطی و جبران آنها از طریق مبنایی مناسب می‌تواند از دلایل مهم اختلاف نظرهای حقوقی موجود برای جبران این زیان‌ها باشد. در این نوشتار با عنوان «مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی»، به شیوه‌ی تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که آیا دولت نیز مانند سایر اشخاص تنها زمانی مسئول جبران خسارت‌های زیست‌محیطی است که بین فعل یا ترک فعل او و ورود زیان رابطه‌ی سببیت برقرار باشد؟ و اینکه استفاده از کدام مبنا برای جبران آلودگی‌های زیست‌محیطی توسط دولت مناسب‌تر است؟ از آنجا که دولت حافظ منافع عموم است و مردم نیز به موجب قوانین و مقررات مختلف حق برخورداری از محیط زیست سالم را دارند، در شرایطی جبران زیان‌هایی که متناسب به دولت نیست، ضروری به نظر می‌رسد. زمانی که آلودگی‌های زیست‌محیطی متناسب به دولت باشد، در نظر گرفتن مسئولیت محض برای دولت در جبران خسارت، موجب سهولت در دادرسی و جبران بهتر خسارت‌های زیست‌محیطی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جبران خسارت، رابطه‌ی سببیت، مبانی مسئولیت مدنی دولت، محیط زیست، مسئولیت محض.

* E-mail: Bahramy.Hamid@Gmail.com

E-mail: Azam_Alamkhani@yahoo.com

** نویسنده مسئول

مقدمه

محیط زیست، موهبت و نتیجه‌ی لطف الهی به بشر است و بر همین اساس، به همه‌ی انسان‌ها تعلق دارد تا همانند سایر نعمت‌ها و مواهب الهی مورد استفاده‌ی خردمندانه قرار گیرد. با توجه به آیه‌ی ۵۵ سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف (*اجعلنی علی خزائن الأرض ائنی حفیظاً علیم*) امر تدبیر و اداره‌ی سرمایه‌های طبیعی تنها باید بر عهده‌ی اشخاصی باشد که ویژگی حفیظ بودن و مسئولیت‌شناسی و کاردانی و تخصص را دارا باشند (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۴: ۴۳). اما متأسفانه امانتداران محیط زیست گاهی نه تنها وظیفه‌ی حمایت از مواهب طبیعی را به جا نمی‌آورند، بلکه با اقدامات یا ترک وظایف خود، مقدمات ویرانی محیط زیست را نیز فراهم می‌کنند و از آنجا که معضلات مربوط به محیط زیست چند سالی است دیدگان نگران بشر را به خود معطوف داشته است، قانونگذاری‌های چندانی، خصوصاً در کشور ما در زمینه‌ی حمایت از محیط زیست و شیوه‌های جبران خسارت‌های وارد بر آن صورت نگرفته است تا در وهله‌ی اول از آلودگی‌های محیط زیست جلوگیری شود و در مرحله‌ی بعد اگر خسارتی به محیط زیست وارد آمد، از راه‌های مناسب جبران شود.

یکی از مشکلات قوانینی که براساس آنها در کشور ما می‌توان خسارت‌های زیست‌محیطی را جبران کرد (اعم از اینکه این خسارت‌ها به‌طور مستقیم موجب زیان به اشخاص شده یا اینکه صرفاً متوجه محیط زیست شده باشند)، نبودن مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی دولت در آن قوانین است. چراکه به‌طور معمول دادگاه‌ها به موجب قوانین، براساس نظریه‌ی تقصیر، آلوده‌کنندگان محیط زیست را به جبران خسارت محکوم می‌کنند که این نظریه در مباحث زیست‌محیطی مشکلات فراوانی را به‌دنبال دارد، زیرا اثبات تقصیر آلوده‌کننده کاری بس دشوار است و زمانی که آلودگی‌های زیست‌محیطی به‌طور مستقیم زیان‌دیدگانی هم داشته باشد، انگیزه‌ی قربانیان برای طرح دعوا و مطالبه‌ی خسارت کاهش پیدا می‌کند. این دشواری در جایی که عامل زیان، دولت باشد، دوچندان می‌شود، چراکه ساختار دولت متشکل از کارکنانی است که ممکن است اقداماتشان بدون ارتباط به دستگاه دولتی موجب خسارت‌های زیادی به محیط زیست شود، در نتیجه زیان‌دیده در پیچ و خم‌های اثبات رابطه‌ی سببیت بین فعل یا ترک فعل عامل زیان و زیان وارده و بعد اثبات تقصیر عامل زیان گرفتار می‌شود و چه بسا از طرح چنین دعوایی منصرف شود. با توجه به مطالب مذکور در این مقاله پس از بررسی مبانی مختلف مسئولیت مدنی دولت با عنایت به مباحث محیط زیست، بهترین مبنا برای پیشگیری و جبران خسارت‌های زیست‌محیطی که از اقدامات دولت ناشی می‌شود، برگزیده شد.

۱. مفهوم آلودگی‌های زیست‌محیطی

آلودگی ترجمه‌ی فارسی واژه‌ی «pollution» است. این اصطلاح مشتق از کلمه‌ی یونانی پلوتوس «pollutus» می‌باشد که از معنای ناپاکی و کثیفی گرفته شده است (مشهدی، ۱۳۸۹: ۲۴). از نظر اصطلاحی تعاریف مختلفی برای آلودگی ذکر شده است، چراکه همگان بر سر تعریف یکسانی از آلودگی به توافق نرسیده‌اند. یکی از مشکلات ارائه‌ی تعریفی مناسب از آلودگی تمایز بین منابع آلاینده‌ی انسانی و منابع آلاینده‌ی طبیعی است که موجب می‌شود برخی محققان برای مثال آتشفشان را که یک پدیده‌ی طبیعی است، به‌عنوان آلوده‌کننده‌ی محیط زیست در نظر نگیرند (عرفان‌منش، ۱۳۸۱: ۲۰).

طبق ماده‌ی ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه‌ی ۷۱/۸/۲۴): «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به‌طوری‌که زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد». با توجه به این تعریف هر تغییری در محیط زیست آلودگی محسوب نمی‌شود، بلکه باید آن تغییر برای موجودات یا ابنیه مضر باشد. همچنین این تعبیر، محیط را در مبنای بیوسفر که اعم از محیط هوا، خشکی و آب است، در نظر گرفته است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۷۱؛ قاسم‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

۲. مفهوم مسئولیت مدنی دولت

مسئولیت مدنی در دو معنای عام و خاص کاربرد دارد. معنای عام مسئولیت مدنی اعم از این است که ریشه‌ی مسئولیت، قراردادی باشد یا قهری و معنای خاص آن منصرف از مسئولیت قراردادی است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳). به‌عبارت دیگر مسئولیت غیرقراردادی به مواردی مربوط می‌شود که قانونگذار تکالیف عامی را برای همگان تعیین کرده و در اثر تخلف از این تکالیف عمومی خسارتی به دیگران وارد شود و بر مبنای این مسئولیت، رابطه‌ی دینی بین زیان‌دیده و مسئول به‌وجود آید (موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۶۳). شایان ذکر است که مراد از مسئولیت مدنی در این نوشتار معنای خاص آن است.

واژه‌ی دولت نیز گاهی در معنای عام به‌کار می‌رود و گاهی هم در معنای خاص. دولت به معنای عام کلمه شامل همه‌ی قوای عمومی و دستگاه‌های حاکمیتی است. آرای صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، بیانگر این است که دیوان عدالت اداری به کلیه‌ی شکایات مردم علیه قوای حاکمیتی رسیدگی می‌کند، یعنی دولت را در معنای عام آن به‌کار می‌برد (استوارسنگری، ۱۳۹۰: ۵).

ولی دولت به معنای خاص (که در این نوشتار منظور است) تنها شامل قوه‌ی مجریه است. مسئولیت مدنی دولت، نتیجه‌ی منطقی حاکمیت قانون است و عدالت حکم می‌کند که هیچ قانون‌شکنی و زیانی چه مادی و چه معنوی بدون جبران باقی نماند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۷: ۶۲). از آنجا که دولت به‌عنوان خدمتگزار مردم گاهی زیان‌هایی را جبران می‌کند که آنها را به‌وجود نیاورده، لازم است مبانی مسئولیت مدنی دولت با تأکید ویژه بر رابطه‌ی سببیت بین فعل یا ترک فعل دولت و ایجاد آلودگی در محیط زیست بررسی شود. از این رو بحث را با تفکیک بین آلودگی‌های قابل انتساب به دولت و آلودگی‌های غیر قابل انتساب به دولت پی می‌گیریم.

۳. مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی قابل انتساب به دولت

عمده مبانی ایجاد مسئولیت مدنی در این دسته از آلودگی‌ها، در حقوق خصوصی مطرح‌اند که قدیمی‌ترین آنها نظریه‌ی تقصیر است.

۳-۱. نظریه‌ی تقصیر

در حقوق رم مبنای تقصیر به‌عنوان مبنایی برای مسئولیت پذیرفته شده بود (ژولیو دولاموراندر، ۱۹۶۶، ج ۲: ۳۱۳). مبنای نظریه‌ی تقصیر این بود که انسان در جایی مسئولیت دارد که احساس ناراحتی وجدان کند و از نظر اخلاقی مسئول باشد (walker, 1980: 110). در این مورد بین مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی وحدت مبنا بود.

سرانجام در سال ۱۸۰۴ میلادی قانون مدنی فرانسه تحت تأثیر اندیشه‌های حقوقی دو حقوقدان عهد کهن این کشور یعنی دوما (۱۶۲۷-۱۶۹۷) و پوتیه (۱۶۹۵-۱۷۷۲) استاد حقوق دانشگاه اُرتان تدوین شد (البوت؛ ورنون، ۱۳۸۲: ۸۳). قانون مدنی فرانسه بخش تعهدات و حقوق قراردادها را از حقوق رم اقتباس کرد و تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت مدنی از این طریق وارد قانون مدنی فرانسه شد و از آنجا به دیگر قوانین دنیا راه یافت (پراسر، ۱۹۶۴: ۳۷۱).

در آغاز، تقصیر جنبه‌ی شخصی داشت، اما رفته‌رفته معیاری نوعی به خود گرفت و رفتار انسانی متعارف برای سنجش میزان خطا و در نهایت مسئولیت در نظر گرفته شد. البته برای شناسایی عمد مرتکب، معیار شخصی تنها راه احراز آن است و این حکم از ماهیت ویژه‌ی عمد ناشی بوده و استثنایی بر آنچه گفته شد تلقی نمی‌شود (اصلانی، ۱۳۸۴: ۷۹).

پس از پذیرش امکان مسئولیت دولت نسبت به زیان‌های وارده به اشخاص، تقصیر، نخستین معیاری بود که پذیرفته شد. البته نسبت دادن خطا و تقصیر به دولت صحیح نیست،

چون دولت شخصیت حقیقی ندارد که از خود اراده‌ای داشته باشد و در عالم واقع، زیان وارده به افراد که به دولت ربط داده می‌شود، زبانی است که توسط مستخدمان دولت وارد می‌شود (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۵) و این نوعی ارفاق است که ما بعضی خطاها و تقصیرات کارمندان را به گردن دولت می‌اندازیم (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۳۸۸ و ۳۸۷).

برای جبران زیان وارده، خواهان می‌بایست تقصیر اداره و رابطه‌ی علیت میان ضرر و رفتار اداره‌ی دولتی را به اثبات برساند. احراز این رابطه در بدو امر، ساده به نظر می‌رسد، اما در عمل، خواهان به دشواری امکان اثبات می‌یابد، چراکه مأموران دولت، افرادی هستند که ممکن است به‌هنگام انجام وظایف اداری خود مرتکب رفتار خطاکارانه‌ای شوند که گاه کاملاً با اعمال اداری آنان بی‌ارتباط است. در نتیجه نمی‌توان زیان را به دولت منتسب کرد (یوسفی‌فر، ۱۳۸۱: ۱۱۶). بنابراین طبق مضمون ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی اگر زیان‌های وارده به محیط زیست نتیجه‌ی رفتار عمدی یا خطای مستخدم باشد، خود مستخدم مسئول پرداخت زیان‌هاست. ولی هر گاه این زیان‌ها از کمبود، نارسایی و نقص وسایل اداری ریشه گرفته باشد، اداره مسئول پرداخت خسارت خواهد بود.

واقعیت این است که علاوه بر نقص وسایل اداری، جبران خطاهای ناشناخته نیز به وسیله‌ی دولت صورت می‌گیرد (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۷۴). تصور کنید که شهرداری، در یک مراسم یا جشن ملی یا محلی، توسط کارکنان خود و با تجهیزاتی که در اختیار دارد، اقدام به آتش‌پرانی می‌کند و در این حین، در اثر اصابت بخشی از این مواد اشتعال‌زا با جنگلی که در آن اطراف است، آتش‌سوزی ایجاد می‌شود و بسیاری از درختان آن جنگل از بین می‌روند؛ بی‌آنکه بتوان مشخص کرد که آن مواد از کدام اسلحه و توسط کدام یک از مأموران شهرداری، پرتاب شده است. از آنجا که در این موارد، مقام عمومی که بتوان عمل خطاکارانه را به او نسبت داد، وجود ندارد و زیان مربوط به کارکرد ناقص نظام خدمت عمومی است، مسئولیت بر دوش دولت بار می‌شود.

در ماده‌ی ۴۶ قانون توزیع عادلانه‌ی آب مقرر شده است که:

«آلوده ساختن آب ممنوع است، مسئولیت پیشگیری و ممانعت و جلوگیری از

آلودگی منابع آب به سازمان حفاظت محیط زیست محول می‌شود...».

در این مقرر «مسئولیت» در درجه‌ی نخست مترادف با «صلاحیت» است، اما در کنار منطبق اولیه‌ی قانون که همانا حمایت از حقوق شهروندان است، لحن این مقرر نیز به گونه‌ای است که زمینه‌ی استناد به خود را حداقل در مواردی که نتوان عامل آلودگی را شناسایی کرد، فراهم نموده است (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۱: ۴۰۲).

نظریه‌ی تقصیر بر آرای دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز تأثیرات فراوانی داشته است. در یک دادرسی بی‌سابقه^(۱) دادگاه اروپایی حقوق بشر تقصیر دولت روسیه را در عدم جلوگیری از آلودگی یا اصلاح آلودگی ناشی از کارخانه‌ی فولاد اعلام کرد. این پرونده که توسط یک زن روسی مطرح شد، به پرداخت ۶۰۰۰ یورو در حق آن زن منجر گردید.

(Available at: <http://hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-69315>, The date of usage: 07/02/2013)

در پی شکایت گروهی علیه دولت اوکراین مبنی بر اینکه به دلیل عملکرد معدن زغال سنگ و کارخانه‌ای در نزدیکی آنها، به سلامتی و خانه‌های آنها ضرر وارد شده، دادگاه اروپایی حقوق بشر رأی به تخلف از ماده‌ی ۸ میثاق اروپایی حقوق بشر (حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی و خانه‌ی افراد) داد و دولت را مسئول جبران خسارت وارده به خواهان‌ها دانست.^(۲)

(Available at: <http://www.elaw.org/node/5655>, The date of usage: 05/07/2014)

به موجب ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، زیان‌های ناشی از اعمال حاکمیت قابلیت جبران الزامی توسط دولت را ندارند، چراکه در ایجاد این‌گونه زیان‌ها تقصیری متوجه دولت نیست. از آنجا که این نظریه موجب جبران نشدن بسیاری از خسارات می‌شود، باید به موارد مذکور در نص اکتفا شود و از تفسیر موسع آن جلوگیری به عمل آید، یعنی دولت وقتی از پرداخت خسارت معاف باشد که در مقام اعمال حاکمیت باشد و آن عمل بر حسب ضرورت، برای تأمین منافع اجتماعی و طبق قانون به عمل آید (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۶: ۳۹۰-۳۹۲). به نظر برخی دولت باید مسئولیت زیان‌های وارده به اشخاص را که به واسطه‌ی اعمال حاکمیت به وجود می‌آیند، قبول کند، زیرا قبول حاکمیت از طرف دولت‌ها یا به دست گرفتن قهری آن خود به منزله‌ی التزام به همه‌ی آثار حقوقی ناشی از اعمال حاکمیت است و هیچ نوع قرارداد یا قاعده‌ی عرفی که دولت‌ها را در برابر موجبات ضمان معاف نماید وجود ندارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۳۵۶).

به‌علت اشکالات و نارسایی‌های ماده‌ی ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، از زمان دولت هشتم، از سوی اداره‌ی کل پژوهش و اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری لایحه‌ی جدیدی در هشت ماده و چهار تبصره در مورد مسئولیت مدنی دولت، تدوین و بعد از جرح و تعدیل زیاد به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده ولی لایحه‌ی مزبور هنوز به تصویب نرسیده است (بهرامی احمدی، ۱۳۹۱: ۵۰۷).

پذیرش نظریه‌ی تقصیر امکان جبران بسیاری از خسارات زیست‌محیطی را دشوار می‌نماید. این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارات زیست‌محیطی، کثرت آلوده‌کنندگان، انگیزه‌ی پایین قربانیان خسارات زیست‌محیطی برای طرح دعواست (بابایی مقدم، نقل از: فهیمی و مشهدی، ۱۳۹۰: ۳۱۶). همچنین اگر زیان وارده ناشی از آن چیزی باشد که اعمال حاکمیت نامیده

می‌شود، چون در این حوزه‌ها امکان تحقق تقصیر وجود ندارد، زیان مذکور هرچند هم گسترده باشد جز با اختیار همان مرجع، جبران نمی‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۲۵ و ۳۲۴). برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی از طریق مبنای تقصیر راهکارهایی پیشنهاد شده است؛ یکی اینکه بگوییم چون تقصیر، تجاوز از رفتاری است که شخص متعارف در همان اوضاع و احوال دارد، بنابراین رفتار آلوده‌کنندگان محیط زیست تجاوز از رفتار متعارف است. دیگر اینکه بگوییم اصل بر تقصیر آلوده‌کننده‌ی محیط زیست است، مگر اینکه خلاف آن را ثابت کند (انصاری، ۱۳۸۲: ۱۳۲؛ هیثم، ۲۰۰۴م: ۱۱-۱۴). اما شورای نگهبان در نظریه‌ی خود در خصوص قانون بیمه‌ی اجباری اعلام کرد اینکه مسئولیت تنها ناشی از تقصیر باشد خلاف شرع است (نامه‌ی شماره‌ی ۷/۳۰/۲۷۲۹۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۲). به همین دلیل لازم است به سایر مبانی نیز توجه شود که اگرچه ممکن است در آنها تقصیری متوجه دولت باشد، نیازی به اثبات آن از سوی خواننده نیست و صرف وجود رابطه‌ی سببیت بین فعل یا ترک فعل دولت و ورود زیان برای ایجاد مسئولیت کفایت می‌کند.

۳-۲. نظریات مطرح در راستای مسئولیت مدنی دولت بدون نیاز به اثبات تقصیر

در این نظریات، ارزیابی ایجاد مسئولیت در آثار عمل صورت‌گرفته (وقوع زیان) متمرکز است. نظریات موجود در این قسم، مسئولیت محض را تداعی می‌کنند. آن‌گونه‌که از آثار نویسندگان بر می‌آید، واژه‌ی مسئولیت محض با واژه‌های مسئولیت مطلق، مسئولیت عینی و مسئولیت موضوعی مترادف است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۵۹۰؛ وحدتی شبیری، ۱۳۸۵: ۹۹). ولی در برخی آثار بین مسئولیت مطلق و محض تفاوت نهاده شده و آورده‌اند:

مبنای مسئولیت مقرر در دستورالعمل مصوب ۲۰۰۴ اروپا مطلق نیست، بلکه

مسئولیت محض است.^(۳)

به نظر می‌رسد که در واقع مسئولیت محض با مسئولیت مطلق تفاوت دارد، زیرا در مسئولیت محض با اثبات قوه‌ی قاهره می‌توان خواننده را از مسئولیت معاف کرد، درحالی‌که در مسئولیت مطلق (مانند مسئولیت غاصب) چنین امکانی وجود ندارد.

در مورد آلودگی‌های محیط زیست به نظر می‌رسد در جاهایی از قانون که لفظ «ممنوع است» به کار رفته، نهی قانونگذار بیانگر این است که ارتکاب عمل نیاز به دلیل دارد و در واقع صرف وجود رابطه‌ی سببیت به اضافه‌ی وجود زیان برای مسئولیت کفایت می‌کند و به اثبات تقصیر یا بی‌مبالاتی خواننده در این فرض نیازی نیست. به عبارت دیگر به دلایلی که قانونگذار پیش‌بینی کرده و در نهایت انجام عملی را ممنوع اعلام نموده است، اگر شخصی بر خلاف

قانون عملی را انجام دهد، صرف انجام عمل تقصیر و بی‌مبالاتی است و عامل زیان باید مسئولیت ناشی از آن را قبول کند (فهیمی، ۱۳۹۱: ۳۶۲-۳۶۵). مثلاً در ماده‌ی ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست آمده است:

«اقدام به هر عملی که آلودگی محیط زیست را فراهم سازد ممنوع است».

علاوه‌بر قوانین خاص، در اصل ۵۰ قانون اساسی نیز پیش‌بینی شده که:

«... فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر

قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

امروزه دست کم در زمینه‌ی مسئولیت مبتنی بر حقوق عمومی، در تمام کشورهای اتحادیه‌ی اروپا تقریباً مسئولیت محض مورد پذیرش دکترین و رویه‌ی قضایی قرار گرفته است به این صورت که نیاز به اثبات بی‌مبالاتی عامل زیان نیست و تنها نیاز است که فعل یا ترک فعل زیانبار و رابطه‌ی آن با ورود ضرر اثبات شود (انصاری، ۱۳۸۲: ۶۶). در مورد این پرسش که چرا بدون نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان، وی موظف به جبران خسارت است، پاسخ‌های گوناگونی وجود دارد که در ادامه بررسی خواهند شد.

۳-۲-۱. نظریه‌ی خطر

این نظریه که دکتر سید حسن امامی از آن به نظریه‌ی علیت یاد کرده‌اند (امامی، ۱۳۸۵: ۸۵۸)، توسط دو حقوقدان فرانسوی به نام‌های «ژوسران» و «سالی» مطرح شد و توسعه یافت. طرفداران این نظریه می‌گویند: هر کس که به فعالیتی می‌پردازد و پیرامون خود محیطی خطرناک ایجاد می‌کند باید مسئولیت ناشی از ایجاد خطر را تحمل نماید (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۶۴). بین طرفداران این نظریه اختلاف نظرهایی وجود دارد، گروهی اعتقاد دارند که «شخص مسئول در نظریه‌ی خطر ایجادشده شخصی است که از استفاده از چیزی نفع می‌برد و خطر ایجادشده همان خطر ناشی از انتفاع اوست» (محمد لیبب شنب، نقل از: بریک، ۲۰۱۰-۲۰۱۱م: ۵۳). عمده دستاورد این نظریه اثبات مسئولیت کارفرما در حوادث ناشی از کار است که چون کارفرما از نیروی کار کارگر استفاده‌ی مادی می‌برد، مسئولیت مدنی ناشی از کار را نیز باید متحمل شود (باریکلو، ۱۳۸۷: ۴۷ و ۴۸). این نظریه تنها قادر به توجیه آن دسته از الزامات دولت است که ناشی از فعالیت‌های انتفاعی او باشد. همین بیان به‌خوبی نارسایی این نظریه را نشان می‌دهد، چراکه هیچ توجیهی برای مسئولیت بدون تقصیری که ناشی از فعالیت‌های غیرانتفاعی است، ارائه نمی‌دهد (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۲). ایراد دیگر وارد به این نظریه این است که به همان نسبت که می‌توان گفت دولت از فعالیت مستخدم سود می‌برد، پس باید زیان ناشی از آن را هم بپذیرد، می‌توان گفت این مستخدم است که از استخدام شدن در دستگاه دولتی سود می‌برد و ریسک

ناشی از فعالیت خود را از بدو استخدام باید بپذیرد (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۰۷). گروه دوم از معتقدان به نظریه‌ی خطر اشخاصی هستند که معتقدند هر فعالیتی که ذاتاً خطرناک باشد، اگر به زیانی منجر شود، به‌طور خودکار مسئولیت دولت را به‌دنبال خواهد داشت، اعم از اینکه این فعالیت برای او سود مادی به‌دنبال داشته باشد یا خیر یا اینکه وی در انجام این فعالیت و ایجاد خطر تقصیری مرتکب شده باشد یا نشده باشد (William K. Jones نقل از زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۹۵؛ Prieur, 2004: 920). بنابراین هرگاه فعالیت خواننده‌ی دعوا از نظر جامعه غیرعادی و نامتعارف باشد و برای دیگران خطری ایجاد کند، شخص مسئول پرداخت خسارت خواهد بود (میشل لوراسا، نقل از: حکمت‌نیا، ۱۳۸۶: ۷۶).

از دید برخی (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۸۰ و ۲۷۹) این نظریه، ریشه در تقصیر دارد و می‌توان استدلال کرد که ایجاد خطر خود نوعی تقصیر است. ایشان برای اثبات ادعای خود به ماده‌ی ۱-۱۶۲ از کد محیط زیست فرانسه استناد می‌کنند که با قرار دادن معنادار دو واژه‌ی «خطر» و «تقصیر» در کنار هم، به‌طور تلویحی، خطر را نیز نوعی تقصیر دانسته است. به موجب این ماده:

[خسارات زیر] «مطابق روش‌های معین‌شده در این سرفصل، جبران می‌شود:

۱. خسارات وارده بر محیط زیست بر اثر فعالیت‌های حرفه‌ای که فهرست آنها

مطابق مصوبه‌ی پیش‌بینی‌شده در ماده‌ی ۲-۱۶۵ تعیین گردیده و همچنین بر فرض

عدم وجود خطر یا بی‌مبالاتی (تقصیر) بهره‌بردار» (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۲۸۰).

امروزه نظریه‌ی خطر؛ نظریه‌ای مناسب برای جبران خسارت زیست‌محیطی است و می‌تواند نقش بسیار مهمی در تقویت حمایت از محیط زیست داشته باشد. در واقع آلوده‌کننده‌ی محیط زیست براساس این نظریه «مسئولیت عینی» پیدا می‌کند، لیکن این دیدگاه نیز از جنبه‌های گوناگونی مورد انتقاد قرار گرفته است. مثلاً اعتقاد به این نظر موجب افزایش ریسک فعالیت اقتصادی و کاهش انگیزه‌ی افراد در اجتماع برای انجام فعالیت‌های گوناگون می‌شود (بهرامی احمدی و فهیمی، ۱۳۸۶: ۱۳۴ و ۱۳۳).

۲-۲-۲. نظریه‌ی نفی ضرر

براساس این نظریه که مبین مفاد حدیث لاضرر است: در اسلام از طرف شارع هیچ حکم ضرری وضع نشده است. بنابراین ضرر زدن به دیگران نیز جایز نیست. از این‌رو آلوده ساختن محیط زیست و تخریب و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن به دیگران است که اسلام آن را نفی کرده است. قاعده‌ی لاضرر مشمول امور عدمی نیز می‌شود. (بهرامی، ۱۳۹۰: ۱۳۵-۱۴۲). بنابراین چنانچه ترک اقدام‌های اصلاحی و سازنده هم به‌ضرار در محیط زیست بینجامد، این قاعده با آن مقابله خواهد کرد. از جمله نتایج مترتب بر شمول قاعده

بر امور عدمی، اثبات ضمان است. این قاعده نه تنها مانع از اضرار به محیط زیست می‌شود، بلکه ضمان خسارت‌های ناشی از فعالیت‌های آلوده‌کننده یا ترک اقدام اصلاحی را هم بر عهده‌ی خسارت‌زننده قرار می‌دهد (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۵: ۵۴)

۳-۲-۳. نظریه‌ی احترام اموال

منظور از این نظریه این است که مال یا عمل انسان نباید مجانی مورد استفاده‌ی دیگری قرار گیرد (بهرامی احمدی، ۱۳۸۸: ۴۵). این قاعده از حدیث نبوی سرچشمه می‌گیرد که فرموده‌اند:

«ساب المؤمن فسوق و قتاله کفر و اکل لحمه من معصیه الله و حرمة ماله

کحرمة دمه».

ناسزا گفتن به مؤمن گناه، قتل او کفر، غیبت او از معاصی و احترام مال او مثل احترام خون اوست (حر عاملی، ۴۱۴ق، ج ۸، باب ۱۴۷، ح ۱۲).

امام خمینی (ره) در مورد احترام مال مؤمن می‌گویند که هدر نبودن خون مؤمن که به‌عنوان ضمانت اجرا، متناسب با شرایط برای آن قصاص یا دیه تعیین شده، می‌رساند که همین ضمانت اجرا در مال مؤمن نیز وجود دارد. بنابراین اگر کسی مال مؤمن را تلف کند، ضامن خواهد بود (نقل از فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷۰).

برای تمسک به این نظریه باید ثابت کرد که محیط زیست و عناصر آن مال محسوب می‌شوند. از این رو تعریفی از مال ضروری است:

از نظر لغوی مال را چنین تعریف کرده‌اند: «المال ما یبدل بازائه المال»؛ مال چیزی است که در مقابل آن مال داده شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۲۰).

از نظر اصطلاحی نیز مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نیازهای معیشتی آنان را بر طرف می‌کند (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳۰). طبق این تعریف عناصر و اجزای محیط زیست مال محسوب می‌شوند، چراکه نیازهای معیشتی افراد به‌وسیله‌ی آنها تأمین می‌شود. همچنین از آنجا که بسیاری از عناصر محیط زیست جزء انفال هستند، روشن شدن حکم مالیت و مالکیت انفال، مؤیدی بر مالیت عناصری از محیط زیست که قابل قیمت‌گذاری هستند نیز خواهد بود.

با استناد به قرآن^(۴) و روایات^(۵) انفال مال پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) است و آنان به هر نحو که صلاح بدانند، می‌توانند در آن تصرف کنند.

طبق اصل ۴۵ قانون اساسی انفال «... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند».

امام صادق (ع) می‌فرمایند:

«إِذْ كَانَ الْمَالِكُ لِلنَّفُوسِ وَالْأَمْوَالِ وَ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ الْمَلِكَ الْحَقِيقِيَّ وَ كَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ عَوَارِيَّ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۳: ۱۹۲) «از آنجا که مالکیت حقیقی بر نفوس و اموال و سایر اشیاء از آن خداست، مالکیت آنچه مردم در دست دارند، به صورت عاریه است». این مالکیت اعتباری در فقه به سه نوع تقسیم می‌شود:

یکم؛ مالکیت امام (حکومت اسلامی)، دوم؛ مالکیت عموم مسلمین، سوم؛ مالکیت خصوصی (فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

اموال و مشترکات عمومی، اموالی هستند که متعلق به عموم هستند و مالک خاصی ندارند (صفایی، ۱۳۸۶: ۱۴۰) و دولت تنها از جهت ولایتی که بر عموم دارد می‌تواند آنها را اداره کند. از آنجا که عناصر و اجزای محیط زیست نیز چنین ویژگی‌هایی دارند، در زمره‌ی اموال و مشترکات عمومی قرار می‌گیرند و دولت به‌عنوان امین مردم در جهت تأمین منافع عمومی باید از مواهب طبیعی مراقبت کند و از آلودگی و تخریب محیط زیست جلوگیری به‌عمل آورد. توصیه‌ی امام علی (ع) به مالک اشتر نیز مؤید همین مطلب است: «باید بیش از تحصیل خراج در اندیشه‌ی آبادانی زمین باشی؛ زیرا خراج حاصل نشود مگر به آبادانی زمین؛ و هر که خراج طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد مگر اندکی» (نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳). بنابراین می‌توان اقدامات آلوده‌کننده‌ی دولت را رفتاری مغایر با زمامداری و تخلف از ید امانی دانست.

پس از اثبات مالیت عناصر محیط زیست، طبق نظر برخی حقوقدانان بهترین مبنا در باب مسئولیت مدنی و به‌تبع آن جبران خسارت‌های زیست‌محیطی، نظریه‌ی احترام اموال است (فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷۵). براساس این نظریه که جامع دو نظریه‌ی اتلاف و لاضرر است، مادامی که بتوان رابطه‌ی سببیت را بین فعل یا ترک فعل عامل زیان و زیان وارده ثابت کرد، عامل زیان طبق قاعده‌ی اتلاف، مسئول جبران زیان است و در مواردی که اسناد بین زیان و زیانکار وجود دارد، ولی رابطه‌ی سببیت به‌دلیل دخالت فاعل مختار، محقق نیست، مسئول جبران ضرر فاعل مختار است و چنانچه واسطه‌ی بین عامل زیان و زیان، چیزی غیر از فاعل مختار باشد، در این موارد قاعده‌ی لاضرر حاکم خواهد بود و عامل زیان مسئول است تا زیانی جبران‌نشده باقی نماند (فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۷۶). بنابراین چنانچه در اثر دودی که از یک کارخانه منتشر می‌شود، تعدادی از گوسفندان یک نفر که در آن محل چرا می‌کنند، تلف شوند، براساس قاعده‌ی اتلاف می‌توان کارخانه را مسئول شناخت، زیرا در اینجا رابطه‌ی سببیت به‌وضوح بین

اقدامات کارخانه و تلف شدن گوسفندان برقرار است، ولی اگر صاحب گله بدون اطلاع از بیماری سایر گوسفندان یکی از آنها را ذبح کند و در اثر خوردن گوشت این گوسفند بیمار شود، این زیان باید براساس قاعده‌ی لاضرر توسط کارخانه جبران شود، چراکه بیماری شخص ناشی از خوردن گوشت آلوده است و به‌طور مستقیم ناشی از اقدامات عامل مختار نیست.

این نظریه با توجه به اینکه عناصر محیط زیست را مال می‌داند، نظریه‌ی مناسبی برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی است، هرچند در نهایت بازگشت آن نیز به قاعده‌ی لاضرر است. همان‌طور که گفتیم، طرفداران این نظریه آن را جامع بین قاعده‌ی اتلاف و لاضرر می‌دانند، اما به‌نظر می‌رسد در جایی که شخصی براساس قاعده‌ی اتلاف مسئول جبران ضرر شناخته می‌شود نیز مسئولیت او به‌دلیل ضرری است که به دیگری وارد آورده است. در نتیجه قاعده‌ی لاضرر می‌تواند توجیه مناسبی برای مسئولیت وی به‌شمار آید.

پاره‌ای از نظریات موجود در مسئولیت بدون نیاز به اثبات تقصیر دولت از نظر گذشت، لیکن شایان ذکر است که اگرچه این نظریات به‌دلیل رفع ایرادات وارد بر نظریه‌ی تقصیر یا به‌عرصه‌ی وجود گذاشت، اعمال بی‌چون‌وچرای آن نیز علاوه‌بر اینکه قدرت بازدارندگی مسئولیت مدنی را کاهش می‌دهد، سبب افزایش هزینه‌های دولت نیز می‌شود (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۹۰ و ۳۸۹). اما در مجموع برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی، محاسن آن از معایب بیشتر است؛ در عین حال راه حل میانه برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی و اجتناب از معایب نظریه‌ی تقصیر و بدون تقصیر وجود دارد که در انتها به شرح آن خواهیم پرداخت.

آنچه به‌طور بارز به‌عنوان وجه تمایز بین مسئولیت مدنی دولت و مسئولیت مدنی در حقوق خصوصی مطرح است، الزام دولت به جبران ضررهایی است که هیچ ارتباطی به او ندارند، اینکه بر چه اساس دولت خود را ملزم به جبران چنین زیان‌هایی می‌داند، در ادامه بررسی خواهد شد.

۴. مبانی مسئولیت مدنی دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی غیر قابل انتساب به دولت

در پاسخ به چرایی این نوع مسئولیت نظریات متفاوتی بیان شده است که تنها به ذکر دو مورد اکتفا می‌شود.

۴-۱. نظریه‌ی خدمت عمومی

این نظریه عبارت است از مجموعه وظایف و اختیاراتی که به‌وسیله‌ی آن، به نیازمندی‌های عمومی پاسخ داده می‌شود (Bell; Boyron; Whittaker نقل از: زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۵۲). به‌عبارت دیگر، خدمت عمومی کارهای عام‌المنفعه‌ای است که دولت و سازمان‌های عمومی

برای برآورده ساختن نیازهایی که مرتبط با نفع عمومی است، انجام می‌دهند (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۵۲-۳۵۳)، مانند ساختن پارک‌ها و فضای سبز. آنچه موجب ملزم دانستن دولت نسبت به چنین اعمالی می‌شود، همان الزامی است که موجب برخورداری گسترده‌ی او از معافیت‌ها، مصونیت‌ها و امتیازات ترجیحی شده است (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۵۳).

در مواقعی که خسارت‌های زیست‌محیطی قابل جبران به‌وسیله‌ی عامل زیان نیستند یا اصلاً فاعل مختاری در ایجاد ضرر نقش نداشته، ضروری است که دولت در راستای تأمین منافع عمومی خسارت‌های ایجادشده را جبران کند. شاید تصور شود که استفاده از نظریه‌ی خدمت عمومی می‌تواند توجیه مناسبی برای الزام دولت به جبران آلودگی‌های زیست‌محیطی غیر قابل انتساب به او باشد، اما واقعیت این است که خدمت عمومی چهره‌ی غیرمالی دارد (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۵۶). بنابراین قانونمند ساختن الزام دولت به جبران خسارت‌های زیست‌محیطی در چنین شرایطی، با تمسک به این مبنا قابل توجیه نخواهد بود.

۴-۲. نظریه‌ی استحقاق

طبق این نظریه آنچه مسئولیت مدنی را به‌دنبال دارد، محروم کردن یا محروم شدن شخص از استحقاق است و استحقاق نیز عبارت از حقی است که دولت در صدد تأمین، تضمین و تحقق حتمی آن نسبت به اشخاص است و محرومیت اشخاص از این استحقاق الزام‌آور است (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۶۲). برای شکل‌گیری استحقاق دو مرحله نیاز است؛ مرحله‌ی اول به رسمیت شناختن حقی توسط قانونگذار است و مرحله‌ی دوم این است که قانونگذار به دستگاه مجریه اجازه می‌دهد که اعمال یا گستره‌ی استحقاق را مشخص کند (زرگوش، ۱۳۸۹، ج ۲: ۳۶۳). اینکه قانونگذار با استفاده از قوانین مختلف سعی در حفاظت از محیط زیست و مجازات تخریبگران آن دارد، به‌خوبی گویای این واقعیت است که حق برخورداری از محیط زیست سالم را به‌عنوان یک حق همگانی به رسمیت می‌شناسد و حفاظت از آن را طبق اصل ۵۰ قانون اساسی وظیفه‌ی عمومی می‌داند. اختصاص دادن اصلی از قانون اساسی به حفاظت از محیط زیست مؤید اهمیت فراوان این موضوع در جمهوری اسلامی ایران است. مقررات متعددی که از سوی قوه‌ی مجریه برای اجرای بهتر قوانین زیست‌محیطی وضع شده نیز در راستای شرح جزئیات حمایت از این حق بنیادین است. بنابراین اگر بگوییم چنانچه زیان وارده به‌وسیله‌ی عامل زیان قابل جبران نبود، دولت باید با بخشندگی خود جبران خسارت کند تا به این وسیله از حقی که ملت را مستحق آن می‌داند حمایت نماید، سخنی به‌گراف نگفته‌ایم، چراکه تحمل چنین هزینه‌هایی برای دفع مفسده‌ای بزرگ نه تنها عاقلانه است، بلکه با سیاست کلی نظام نیز هماهنگ است.

۵. انتخاب مبنایی مناسب برای مسئولیت مدنی دولت در جبران خسارت‌های زیست‌محیطی

در انتخاب مبنایی برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی به‌وسیله‌ی دولت، بهتر است بین چند فرض تفکیک قائل شد:

در فرضی که ورود زیان قابل انتساب به دولت است، بهترین راه معتقد شدن به مسئولیت محض در راستای قاعده‌ی لاضرر یا احترام اموال که آن هم در نهایت به قاعده‌ی لاضرر منتهی می‌شود، است؛ یعنی در وهله‌ی اول زبانی که در اثر عملکرد مقام عمومی یا نقص وسایل اداری به محیط زیست وارد می‌شود، توسط دولت جبران شود و در نهایت برای حفظ جنبه‌ی بازدارندگی مسئولیت مدنی و کاهش هزینه‌های دولت چنانچه تشخیص داده شود که زیان در نتیجه‌ی رفتار نامتعارف مقام عمومی حاصل شده است، دولت غرامت پرداختی را از او دریافت کند. با این شیوه خسارت‌های زیست‌محیطی بهتر جبران می‌شود و مسئولیت مدنی نیز جنبه‌ی بازدارندگی خود را حفظ می‌کند و هزینه‌های دولت نیز بی‌رویه افزایش نمی‌یابد.

اما در فرضی که زیان قابل انتساب به دولت نیست، برای مثال زمانی که عامل زیان قادر به پرداخت غرامت نباشد یا شناسایی نشود یا اصلاً فاعل مختاری در ورود ضرر نقش نداشته باشد، نظر به اهمیت فراوان محیط زیست بهتر است دولت وارد عمل شود و براساس نظریه‌ی استحقاق، جامعه را از تحمل آلودگی‌های محیط زیست برهاند، زیرا همان‌طور که گفته شد، حق برخورداری از محیط زیست حق همگانی است که در قوانین و مقررات مختلف مورد حمایت قرار گرفته است و این نشان‌دهنده می‌دهد که دولت ایران خود را موظف دانسته که از هر طریقی دستیابی مردم به این حق را تضمین کند و جبران خسارت‌های زیست‌محیطی نیز یکی از همان راه‌هاست.

نتیجه‌گیری

در این مقاله مبانی مختلف مسئولیت مدنی دولت بررسی شد. عمده دستاورد این بررسی این است که هیچ‌کدام از مبانی مذکور نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون ایراد، چرایی مسئولیت مدنی دولت را در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی پاسخگو باشد. نظریه‌ی تقصیر از بین نظریات مطرح‌شده جبران خسارت‌های زیست‌محیطی را با دشواری‌های زیادی روبه‌رو می‌کند. این دشواری‌ها هرچه بیشتر از انگیزه‌ی قربانیان خسارت‌های زیست‌محیطی برای طرح دعوا می‌کاهد، بر جسارت آلوده‌کنندگان محیط زیست می‌افزاید. نظریات مشمول مسئولیت بدون نیاز به اثبات تقصیر دولت، ساده‌ترین راه حل برای جبران خسارت‌های زیست‌محیطی

محسوب می‌شوند؛ لیکن همیشه ساده‌ترین راه حل‌ها مناسب‌ترین آنها نیست، چراکه اگر قرار باشد دولت به‌عنوان مجموعه‌ای از مستخدمان، مسئولیت اعمال آنان را بر دوش کشد، نه تنها مستخدمان دقت کافی را در اقدامات خود به‌کار نمی‌گیرند، هزینه‌های دولت نیز بی‌رویه افزایش پیدا می‌کند. بنابراین راه حل میانه‌ای لازم است تا علاوه بر اینکه بیشترین نفع را برای حفظ محیط زیست و شهروندان داشته باشد، کمترین ضرر را نیز به‌دنبال داشته باشد. از این‌رو با تمایز قائل شدن بین زیان‌های قابل انتساب به دولت و زیان‌های غیر قابل انتساب به او، سعی در انتخاب مبنایی مناسب کردیم. در فرض اول ابتدا دولت بار مسئولیت ناشی از نقص وسایل اداری یا رفتار مستخدمان را به دوش می‌کشد و زیان‌دیده را از پیچ و خم‌های اثبات تقصیر می‌رهاند، اما در نهایت برای حفظ جنبه‌ی بازدارندگی مسئولیت مدنی، غرامت پرداختی را از کارمندی که زیان در نتیجه‌ی رفتار نامتعارف او حاصل شده است، دریافت می‌کند. اما در فرض دوم نظر به اهمیت مسائل زیست‌محیطی چاره‌ای نیست جز اینکه دولت به‌عنوان خدمتگزار شهروندان، بار مسئولیت را به‌تنهایی متحمل شود؛ چراکه وضع قوانین زیست‌محیطی مختلف از سوی قانونگذار، بیانگر به رسمیت شناختن حق برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یک حق همگانی از سوی او و به‌تبع آن حمایت از محیط زیست تا حد امکان است که دولت نیز به‌وسیله‌ی مقررات مختلف در صدد تأمین این حق برای شهروندان برآمده است؛ بنابراین جا دارد در مواقعی که محیط زیست دچار آسیب شده و به هر دلیلی این آسیب توسط عامل زیان قابل جبران نیست، دولت در راستای نظریه‌ی استحقاق به وظیفه‌ی خود که همانا جبران ضرر است، عمل کند.

یادداشت‌ها

1. Fadeyeva V.Russia (no.55723/00), 9 June 2005

2. Dabetska & others V.Ukraine (no.30499/03,10/02/2011)

۳. دکتر کاتوزیان در صفحه ۶۱ کتاب *مسئولیت ناشی از عیب تولید می‌گویند*: نباید مسئولیت مطلق و محض با هم یکی گرفته شوند و با هم فرق دارند.

دکتر بادینی نیز در صفحه‌ی ۲۱۳ کتاب *فلسفه‌ی مسئولیت مدنی*، مسئولیت محض را به معنی فرض تقصیر به‌کار برده‌اند که تنها در صورتی عامل زیان، معاف از مسئولیت شناخته می‌شود که ورود زیان، در اثر تقصیر زیان‌دیده باشد.

۴. «یسئلونک عن الانفال قل الانفال لله و الرّسول» (انفال: ۱).

۵. «محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ایبه عن ابن ابی عمیر عن حفص البختری عن ابی عبدالله (ع) قال: الانفال... لرسول الله (ص) و هو للامام من بعده لیضعه حیث یشاء» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۶: ۳۶۴).

منابع و مأخذ

الف) فارسی و عربی

قرآن کریم

نهج البلاغه

استوارسنگری، کورش (۱۳۹۰)، «مفهوم دولت در آراء وحدت رویه‌ی دیوان عدالت اداری»، *مطالعات حقوقی*، ش ۱، ص ۱-۳۴.

اصلائی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، «مفهوم و جایگاه تفصیر در مسئولیت مدنی قهری و قراردادی»، *مجله‌ی تخصصی هیات و حقوق*، دانشگاه رضوی، ش ۱۶ و ۱۵، ص ۵۱-۹۴.

الیوت، کاترین؛ ورنون، کاترین (۱۳۸۲)، *نظام حقوقی فرانسه*، ترجمه‌ی صفر بیگزاده، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

امامی، سید حسن (۱۳۸۵)، *حقوق مدنی*، تهران: انتشارات اسلامی، چ بیست و ششم، ج ۱.
انصاری، باقر (۱۳۸۲)، *مبانی مسئولیت مدنی آلوده‌کنندگان آب‌های عمومی*، تهران: اندیشه‌ی رفیع، چ اول.

انصاری، مهدی (۱۳۸۲)، «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی محیط زیست در حقوق ایران و اتحادیه‌ی اروپا»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه قم.

بادینی، حسن (۱۳۸۴)، *فلسفه‌ی مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ اول.

باریکلو، علی‌رضا (۱۳۸۷)، *مسئولیت مدنی*، تهران: میزان، چ دوم.

بریک، عبدالرحمان (۲۰۱۰-۲۰۱۱)، «المسؤولية الإدارية دون خطأ و أهم تطبيقاتها في القضاء الإداري مذكرة مكتملة لنيل شهادة الماجستير في العلوم القانونية»، *كلية الحقوق و العلوم السياسية*، جامعة الحاج لخضر باتنه.

بهرامی احمدی، حمید (۱۳۸۸)، *قواعد فقه*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چ اول، ج ۱.

بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، «تحول جهانی مبانی مسئولیت مدنی به‌سوی مبانی نفی ضرر»، *مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی*، دوره‌ی ۴۱، ش ۲، ص ۵۹-۷۴.

بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۱)، *ضمان قهری*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چ اول.

بهرامی احمدی، حمید؛ فهیمی، عزیزالله (۱۳۸۶)، «مبانی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی در فقه و حقوق ایران»، *مجله‌ی معارف اسلامی و حقوق*، سال هشتم، ش ۲، ص ۱۲۱-۱۵۰.

تاریمرادی، احسان؛ فخلعی، محمدتقی (۱۳۸۴)، «مبانی و احکام فقهی محیط زیست»، *مطالعات اسلامی*، ش ۷۱، ص ۳۱-۶۶.

تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۷)، *حقوق محیط زیست در ایران*، تهران: سمت، چ دوم.

حر عاملی، محمد بن حسن بن علی (۴۱۴ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البیت، چ دوم، ج ۸ حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶)، *مسئولیت مدنی در فقه امامیه*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول.

زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹)، *مسئولیت مدنی دولت*، تهران: میزان، چ اول، ج ۲.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۶)، *حقوق اداری*، تهران: سمت، چ سیزدهم.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۷)، *حقوق اداری تطبیقی*، تهران: سمت، چ دوم.

عرفان‌منش، مجید؛ افیونی، مجید (۱۳۸۱)، *آلودگی محیط زیست*، اصفهان: ارکان، چ دوم.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۲)، *موجبات ضمان*، تهران: میزان، چ اول.

فهیمی، عزیزالله (۱۳۹۱)، *مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و اسناد بین‌المللی)*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول.

فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی (۱۳۹۰)، «فقه شیعه و تحول در مبانی مسئولیت مدنی زیست‌محیطی»، *فصلنامه حقوق*، مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی، دوره‌ی ۴۱، ش ۱، ص ۳۱۳-۳۲۶.

قاسم‌زاده، سید روح‌الله (۱۳۸۶)، «بررسی ابعاد حقوق محیط زیست با تأکید بر جنبه‌های پیشگیری از آلودگی محیط زیست»، *فصلنامه‌ی علامه*، ش ۱۵، ص ۱۰۷-۱۳۴.

قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۸۷)، *مبانی مسئولیت مدنی*، تهران: میزان، چ پنجم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲)، *الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ سوم.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷)، *وقایع حقوقی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ سیزدهم.

کاتوزیان، ناصر؛ انصاری، مهدی (۱۳۸۷)، «مسئولیت ناشی از خسارت‌های زیست‌محیطی»، *مجله‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره‌ی ۳۸، ش ۲، ص ۲۸۵-۳۱۴.

- گوهری، عباس؛ بیژنی، مهدی (۱۳۹۰)، «مسئولیت مطلق در تخریب محیط زیست از دیدگاه فقهی»، فصلنامه‌ی تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هفتم، ش ۲۴، ص ۱۱۳-۱۴۶.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۹۳.
- مشهدی، علی (۱۳۸۹)، ترمینولوژی حقوق محیط زیست، تهران: خرسندی، چ اول.
- موسوی بجنوردی، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهیه، تحقیق: محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی، قم: الهادی، چ اول.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۷)، حقوق اداری، تهران: میزان، چ دهم.
- هیثم، محمد (۲۰۰۴)، «المسئولیه عن تعویض اضرار تلوث البيئته فی القانون»، دراسته مقارنه، جامعه العدن، کلیه الحقوق.
- وحدتی شبیری، سیدحسن (۱۳۸۸)، مبانی مسئولیت مدنی قراردادی (مطالعه‌ی تطبیقی در حقوق و فقه)، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چ اول.
- یوسفی‌فر، شهروز (۱۳۸۱)، «مسئولیت مدنی دولت (در برابر اشخاص) در حقوق ایران با مطالعه‌ی تطبیقی فقهی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).

(ب) لاتین

- David M.walker (1980), **The Oxford Companion to law**, Oxford, Clarendon press.
- Morandiere (Julliot de la) (1966), **Droit civil**, tom 2,4em edition.
- Prieur, Miehcel (2004), **Droit de l'environnement**, Paris,Dalloz.
- Prosser. (William L.) (1964), **Law of torts**.West publishing co.Third edition.
- The European court of human rights, "**Case of dubetska and others v.ukraine**", available at: <http://www.elaw.org/node/5655>, the date of usage: 05/07/2014.
- The European court of human rights, **Case of Fadeyeva v. Russia**, Available at: <http://www.hudoc.echr.coe.int/sites/eng/pages/search.aspx?i=001-69315>, The date of usage: 07/02/2013)